

# عروسک دست ساز سنتی (لیلی دستی) قوم لر؛ عروسک لیلی

فریبا گرجیان

کارشناسی ارشد نقاشی دانشگاه هنر و معماری یزد



## درباره‌ی عروسک لیلی

"لیلی"، عروسک دست ساز سنتی تاریخی و دست ساخته‌ی اقوام مختلف لر زبان در ایران است که در هر منطقه، نام‌های متفاوتی دارد. نورآباد ممسنی- رستم در استان فارس این عروسک تاریخی را نیز داشته‌اند. عروسک لیلی در سال ۹۲ به‌عنوان رساله‌ای دانشگاهی توسط فریبا گرجیان مورد پژوهش قرار گرفت. در تابستان ۱۳۹۵ این عروسک توسط ایشان به میراث فرهنگی تهران معرفی و با توجه به پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی آن در دی‌ماه ۱۳۹۵ در میراث فرهنگی کشور به‌عنوان میراث فرهنگی ناملموس در فهرست آثار ملی کشور ثبت شد. فریبا گرجیان کارشناسی ارشد نقاشی از دانشگاه هنر و معماری یزد دارد و رساله‌ی این دوره خود را هم با عنوان "(مطالعه تأثیر فرهنگ بر عروسک‌های دست ساز سنتی (لیلی دستی) قوم لر با رویکرد نشانه‌شناسی) در این دانشگاه به پایان رسانده است. او در پژوهشی که طی چند سال انجام داده گونه‌های زیادی از عروسک لیلی مربوط به اقوام لر را مورد تحقیق قرار داده است. در زیر درباره‌ی بخشی از این پژوهش که عروسک لیلی، لیلی خاموش (لال بیگ، لال بیگ)، دالو، نوزاد عروسکی و... را نیز در بر می‌گیرد مباحثی مطرح شده است.



را شاخه‌ای از تئاتر بدانیم، بازهم علومى همچون فلسفه، متافیزیک، هرمنوتیک، مردم‌شناسى، باستان‌شناسى، جامعه‌شناسى، روانشناسى، موسيقى و مخصوصاً هنرهای تجسمى را در خودش دارد. این غلط است که با شنیدن اسم عروسک تنها چیزی که به ذهن مى‌رسد کودک و بچه است.

عروسک "آدم صامتى" است که به وسیله‌ی "آدم متحرکى" که فکر هم دارد، جان بخشیده مى‌شود. بارزترین مصداق، پینوکیو و پدر ژپتو، اما در نهایت من مى‌بینیم که پینوکیو آدم مى‌شود. پس یک آدم مى‌تواند شکل عروسک به خود بگیرد و بالعکس. منظور از شکل عروسک ریخت ظاهرى عروسک نیست شاید این آدم استعاره‌ای از یک عروسک باشد. قطعاً کسی که کار پرفورمنس انجام مى‌دهد باکسی که نقاشی مى‌کند و کسی که عروسک‌گردانى مى‌کند بیان‌های متفاوتی نسبت به عروسک دارند است و حتى کسانی که در یک حوزه فعالیت دارند بازهم ممکن است دیدگاه‌های متفاوت از هم داشته باشند. بنابراین این شیء صامت که عروسک نام دارد، گاهی شکل موش، گاهی میمون و گاهی یک لوله، گاهی بخشی از اجزای داخلی بدن انسان و گاهی هم "خود انسان" است. بعد انسان در مورد این شیء بی‌حرکت یعنی "عروسک" تصمیم مى‌گیرد. اما جان بخشی به عروسک‌ها زمانی که در دست‌های بچه‌ها، اتفاق مى‌افتد یک چیز کاملاً متفاوت است. ما عروسکی را روی میز یا در کتابخانه مى‌گذاریم چون از شکل این عروسک خوشمان مى‌آید، و یا عروسکی ساخته‌ایم که بچه‌ها از لحاظ فرمى آن را درک نمى‌کنند و آن را به عنوان عروسک نمى‌پذیرند. گاهی بچه‌ها بداهه دست به ساخت عروسکی مى‌زنند و حتى خود متوجه نمى‌شوند که این عروسک چقدر خوب است. من از آریاک خواهرزاده‌ام که ۴ سال دارد خواستم عروسک لیلی درست کند بی‌اینکه من توضیحی درباره چگونگی ساخت آن بدهم، فقط یک نمونه‌ی بی‌حرکت از لیلی‌هایی که خودم ساخته بودم را بهش نشان دادم. و بعد این شد عروسک آریاک.



### تعریف عروسک از دیدگاه نگارنده

چیزی که من از عروسک درک و دریافت کردم معانی مختلف و متفاوتی را در برمی‌گیرد. عروسک‌ها هم به یکدیگر شبیه‌اند و هم از یکدیگر متفاوت. عروسک‌ها تمثیلی از انسان‌ها هستند، آن‌ها به خودی خود مى‌توانند متحرک یا ثابت باشند، ولی وقتی یک شیء معنی عروسک به خود مى‌گیرد که توسط شخصی به آن قدرت حرکت داده شود، یعنی او گرداننده‌ی یک شیء بی‌جان شود، با این کار خودبه‌خود این حس جان بخشی به بیننده القا مى‌شود و این جان بخشی مرز پیکره و مجسمه را با عروسک تعریف مى‌کند. با این تعاریف مى‌توان یک شیء دور از ذهن را نیز عروسک نامید.

### کاربرد عروسک‌ها

عروسک‌ها، گونه‌های مختلفی دارند. نخى، میله‌ای، عروسک‌های سایه‌ای، دستکشی، مکانیکی، خیمه‌شب‌بازی، آیینی، بازی و... باز هرگونه در نوع خود مى‌تواند متفاوت از دیگری باشد. اما در ابتدا مى‌توان گفت این پیکرک‌ها بودند که راهی به عروسک‌ها گشودند. پیکرک‌هایی که بیشتر برای دفع شر و نیایش استفاده مى‌شدند. کم‌کم، انسان جان بخشی به اشیاء را یاد گرفت و از روح خود در پیکرک‌ها دمید و خود الگوی خلق پیکرک‌ها شد، پیکرک‌هایی که بیشتر جنبه‌ی آیینی داشتند و نه برای سرگرمی و بازی ساخته مى‌شدند. درواقع مى‌توان ریشه‌ی ساخت عروسک‌ها را همین پیکرک‌ها دانست. عروسک‌ها کاربردهای متفاوتی دارند، نمایشی، بازی، آیینی، و... برای یک نمایش عروسکی، صحنه‌ای که عروسک روی آن به حرکت درمی‌آید، از اهمیت زیادی برخوردار است، این صحنه با گروهی متشکل از نمایشنامه‌نویس، بازیگر، خواننده، طراح، عروسک‌ساز، عروسک‌باز و... به سرانجام مى‌رسد. برای بچه‌ها بازی با عروسک‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. در آیین‌ها برای دفع شر و رسیدن به آرزوها، گاهی عروسک‌ها را مى‌کشتند و گاهی هم آرزوهایشان را به آن‌ها مى‌گفتند. اکثر این عروسک‌ها توسط کسانی ساخته مى‌شدند که بخشی از زندگی آن‌ها بود و به این فکر نمى‌کردند که آن‌ها را در موزه قرار دهند یا مورد توجه دیگران قرار گیرد و یا اینکه زمانی آن‌ها را به عنوان هنر تلقی کنند.

### لیلی و هنرمندان حوزه‌ی تجسمی و هنر مفهومی

اگرچه عروسک، شاخه‌ای از هنر و تئاتر است. یعنی اینک عروسک برای تئاتر تعریف شده است. ولی درواقع عروسک همه علوم را در خودش دارد. حتى اگر تئاتر عروسکی

## پیشینه‌ی ساخت عروسک‌ها در ایران

عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی بیشتر عروسک‌های نمایشی (puppet) هستند. طبق تحقیقات انجام‌شده، از نظر قدمت اولین نشانه‌های اجرای نمایش عروسکی در هند، چین و ایران به دست آمده است. از اشعار متعدد شاعران قرن ششم و هفتم هجری قمری چنین برمی‌آید، که تمامی اشکال نمایش عروسکی اجرا می‌شده است. عمر خیام، حافظ، عصار تبریزی، اسدی طوسی، خاقانی، نظامی گنجوی، عطار و در نوشته‌ها و اشعار بهرام بیضایی، صادق هدایت، اخوان ثالث و... اما گونه‌ای تاریخی و اصیل از عروسک‌های ایران که در متون قدیم به آن پرداخته نشده است، گونه‌ای مهم از عروسک‌های ایرانی که در همه‌ی شهرها و روستاها وجود داشته و دربرگیرنده‌ی فرهنگ و جغرافیایی ست که این عروسک‌ها در آن به وجود آمده‌اند و حامل آیین و فرهنگ محیطی هستند، که در آن شکل گرفته‌اند. این عروسک‌ها به‌طور جامع برای اولین بار در کتاب "فرهنگ عروسک‌ها و نمایش‌های آیینی و سنتی ایران" توسط پوپک عظیم پور گردآوری شده است. که گام بزرگی برای معرفی این گونه عروسک‌ها بود. قومیت‌های مختلف ایران نیز با توجه به گوناگونی فرهنگ‌ها و آیین‌ها نیز این عروسک‌ها را داشته‌اند، که خود معرف فرهنگ ایران هستند. که خوشبختانه چند سالی است که عده‌ای دست به احیا و پژوهش در این باره زده‌اند که البته در جای خود باید به‌ضرورت بازگرداندن، احیا و یادآوری این گونه از عروسک‌ها پرداخت. عروسک‌هایی مانند بوکه بارانه (کردستان)، دهن‌تولوک (خوزستان)، بی‌بی کک (عروسک آیینی زرتشتیان در یزد)، لیلی (عروسک آیینی و بازی قوم لر) و... که در اکثر روستاها و بیشتر توسط زنان ساخته می‌شدند. این عروسک‌ها هرکدام پوشش زنان محیطی که در آن شکل گرفته‌اند، را به تن دارند. مثلاً عروسک باران خواهی بوکه بارانه مربوط به کردستان، تحت تأثیر لباس زنان کرد درست شده است و آیین‌ها و باورهای که مردم کرد داشته‌اند را در این عروسک می‌گنجاندند تا خواسته‌هایشان برای بارش باران تحقق پیدا کند. عروسک لیلی هم تحت تأثیر فرهنگ و آیین یک قوم شکل گرفته است.

### چرا عروسک آیینی لیلی؟!

لیلی یک عروسک بازی، آیینی و تاریخی است. عروسک بازی دوران کودکی من بود، لیلی را سال‌های کودکی مادرم بی‌هیچ احساس تملک به آن برای من می‌ساخت و من ساعت‌های زیادی با خواهرانم و با دوستانم لیلی بازی می‌کردیم. من خیلی زیاد بازی کردم، سال‌ها و ساعت‌ها لیلی بازی کردم، بی‌احساس نیاز به عروسک دیگری. به‌هرحال موضوع عروسک به من کمک می‌کرد، بیشتر با دنیای عروسک‌ها آشنا شوم و این دانش، خودبه‌خود به من تصویر می‌داد و در پیشبرد نقاشی‌هایم نیز می‌توانست مفید باشد.

به مهنی برگشتم، به روستاها، ولی هیچ خبری از لیلی نبود. بازار وکیل شیراز، دروازه قرآن (شیراز)، در بعضی از دست‌فروشی‌های یاسوج و نورآباد، این چند جا عروسک‌هایی شبیه لیلی برای فروش گذاشته بودند، ولی فقط لباس سنتی آن‌ها به لیلی شباهت داشت. عروسک‌هایی از جنس پلاستیک و شبیه باری که لباس محلی و سنتی به تن داشتند، این تلفیق هم اشتباه و هم ناخوشایند بود. مطلب زیادی از عروسک لیلی مکتوب نبود، البته کتاب‌هایی بودند که من در تحقیقی که انجام داده‌ام نام آن‌ها را ذکر کرده‌ام.

### چگونگی بازآفرینی لیلی

عروسکی که سال‌های زیادی بچه‌ها با آن بازی می‌کردند، دیگر وجود نداشت و کسانی که این عروسک را درست می‌کردند یا دیگر نبودند و یا آن را فراموش کرده بودند. آخرین نسلی که لیلی را برای بچه‌های خود درست می‌کردند، نزدیک به ۶۰ تا ۷۰ سال سن



اما طبیعی است که نوع برخورد هنرمند تجسمی با یک هنرمند عروسکی فرق داشته باشد. هنرمند تجسمی اگر موضوع عروسک را انتخاب می‌کند، کمتر به فکر جان‌بخشی به عروسک در عالم واقع است. مثلاً عروسک‌های هانس بلمر، آثار آنت مسیجر هنرمند فرانسوی که از لباس نوزاد و اسباب‌بازی بچه‌ها برای چیدمان آثارش استفاده می‌کند. الکساندر اکستر نقاش روسی که با فوویست‌های پاریس کار کرده بود، نیز گونه‌ای از عروسک‌های مکانیکی را تحت تأثیر کویبست‌ها درست می‌کرد، مارتین کیپن پرگر آلمانی، مایک کلی آمریکایی، پائولو رگو، دومیه، ماکس ارنست، فریدا کالو، پیکاسو و واحد خاکدان، احمد مرشدلو، بیتا فیاضی و... هنرمندی که کار مفهومی انجام می‌دهد گاهی از عروسک‌هایی که متحرک هستند استفاده می‌کند و گاهی عروسکی که نیاز به گرداننده دارند، و این انتخاب بستگی به بیان هنرمند دارد که گاهی باعث می‌شود همه تعاریف رایجی که درباره عروسک هست را به هم بریزد. عروسک‌هایی که پل کله برای پسرش فلیکس درست کرده را ببینید، این عروسک‌ها در نگاه اول مجسمه‌هایی از نقاشی‌های پل کله هستند. اما وقتی آن‌ها را در دست‌های فلیکس می‌بینیم، متوجه می‌شویم به معنی واقعی (doll) هستند. حقیقت عروسک، حرکت و جان‌بخشی است و بعد برای تأکید بر اهمیت بیشتر آن و جلوگیری از خراب شدن و انقراض، برای اینکه به ما بگویند هنوز هستیم آن‌ها در موزه جای می‌گیرند.





داشتند. خوشبختانه مادرم و زن عموم بین هم نسلان خود از دوروبر من، کسانی بودند که ساخت این عروسک را به یاد داشتند و من هم ساخت لیلی را از مادرم یاد گرفتم. تعداد زیادی عروسک لیلی درست کردم، با خودم به یزد پردم و عروسک لیلی را در کنار نقاشی هایم در گالری حوض نقاشی گذاشتم و بچه ها و اساتید دانشگاه با آن آشنا شدند.



ساختار عروسک، نحوه ی لباس پوشیدن، نحوه زلف کردن موهای لیلی به صورت و دستمال رقص لیلی، همه نشان از شادی این عروسک دارد و بازنمای کاملی از دختر و زن جوان لر با پوشش سنتی مخصوص زنان قوم لر است.

لیلی عروسک تاریخی-سنتی، آیینی و عروسک بازی بچه ها در طول تاریخ زندگی ایلی و کوچ رو قوم لر بوده است. قوم لر حتی بعد از یکجانشینی، عروسک لیلی را برای بچه های خود می ساختند. عروسک لیلی دستی علاوه بر این که جنبه ی بازی برای بچه ها داشته، نقش تربیتی و آیینی زیادی نیز داشته است. زنان لر نظم موجود در رقص، پوشش و زیبایی خود را به واسطه ی عروسک لیلی جاودانه کردند. دست یافته های مثل گلیم، جاجیم و دیگر دست ساخته های این اقوام را ببینید، اما وقتی یک عروسک دست ساخته ی سنتی می بینیم که از دل تاریخ یک ایل برآمده، شگفت زده می شویم.

#### جایگاه لیلی در بین دیگر اقوام لر نشین

لیلی در بین اقوام لر نشین عروسکی نمادین است، او بیشتر از همه نماد دختر جوان لر است، لیلی شادترین عروسک دست ساز سنتی در بین همه ی عروسک های دست ساز قومیت های مختلف ایران است. این عروسک ساختاری چلیپا گونه دارد، که از یک عدد چوب عمود برای پایه ی عروسک، دو عدد چوب افقی برای شانه ی عروسک و دو عدد چوب برای دست های عروسک استفاده می شود و سوراخ هایی برای حرکت در ساختار چوبی این عروسک ایجاد می شود. لیلی نوعی عروسک مفصلی متحرک است که طراحی ساختار آن شکل خطی و ابتدایی پیکره ی انسان است. دست های این عروسک به وسیله ی بند یا طناب نازکی به چوب عمود (پایه) و چوب های شانه و دست ها متصل می شود و در زیر پیراهن آن با کشیدن به طرف پایین به رقص درمی آید و شروع به دستمال بازی می کند، که نماد رقص سه پای زنان لر است.

لیلی دستی که پسوند دستی آن به خاطر دست های رقصان عروسک نام گرفته، یکی از عروسک های آیینی و عروسک بازیچه های دست ساز سنتی قوم لر در طول تاریخی نامعلوم است، که تحت تأثیر فرهنگ این قوم شکل گرفته است. زنان لر با همکاری مردان ایل در هنگام کوچ بزرگ (به احتمال زیاد در دوره ی تیموریان)، در محیطی با فرهنگ غنی، ولی در کمبود و نبود امکانات زمانی که زندگی خود را در قشلاق و بیلاق می گذراندند، دست به این عمل خلاقانه زدند. آن ها با همکاری مردان ایل با چوب و نی های مزارع اطراف چوبی را به شکل صلیب بر هم سوار کردند و با اضافه پارچه های محیط اطراف خود، شروع به ساختن این عروسک کردند، تا هم سرگرمی برای کودکان خود پیدا کنند و هم اینکه کودکان با لیلی بازی و لیلی گردانی از عروسک بازیافت شده از محیط زندگی خود، یعنی "لیلی" فرهنگ زندگی خود را بازآفرینی کنند. لباس لیلی دستی، کاملاً از لباس محلی زنان لر، روسری<sup>[۱]</sup>، چارقد، پیراهن<sup>[۲]</sup>، تنبان<sup>[۳]</sup>، آرخالق<sup>[۴]</sup> و لچک و زیورآلاتی همچون میخک و مهلو تأثیر گرفته است. یکی از مشخصه های قابل توجه در این لباس ها ریتم آن و رنگ شاد لباس ها است. انعکاس رنگ لباس زنان را در عروسک ها نیز مشاهده می کنیم، به این صورت که لیلی هایی که نقش مادر را بازی می کنند، با همان ساختار لیلی دستی درست می شوند، با این تفاوت که این عروسک دیگر دستمال به دست نیست و رنگ لباس آن ها نیز تیره تر می شود و به آن ها «دالو»<sup>[۵]</sup> هم گفته می شود. قوم لر نورآباد ممسنی، شهرهایی در استان فارس؛ گراش، فرشبند و گهگیلویه و بویراحمد، مناطق جنوبی؛ مسجد سلیمان، روستاهایی در گناوه، بخش هایی در بوشهر، چهارمحال و بختیاری، لردگان، ایلام و لرستان، ساوه و حتی ترک های قشقایی و فیروزآباد فارس به علت قرابت فرهنگی با لر ها، عروسک لیلی را داشته اند.

۱-کُنه

۲-جومه

۳-دامن و شلیته

۴-دلگ

۵-دالو یعنی زن مسن.



در ابتدا صورت لیلی‌ها را نقاشی نمی‌کردند، کم‌کم روی پارچه سفید شروع به کشیدن صورت برای لیلی‌ها کردند.

#### نحوه‌ی بازی با این عروسک

اگر بخواهیم عناصر مرتبط با مکان‌های بازی این عروسک را به شاخه‌ای از هنر ربط دهیم، آن شاخه هنر زمینی<sup>۱۶</sup> است. هر آنچه در رابطه با عروسک لیلی دیده می‌شود، بازیافتی از محیط اطراف است. هنگام بازی با این عروسک بچه‌ها چیز جدیدی از محیطی دیگر، وارد بازی خود نمی‌کردند. بلکه از سنگ‌های اطراف خود شروع به سنگ چینی یا بازسازی قلاتو (قله تو) می‌کردند. یا از جعبه یا کارتون‌های دورریختنی محیط خود، برای خانه‌ی لیلی‌ها استفاده می‌شده است و درون این خانه‌ها را به شیوه‌ی سیاه‌چادرهای بزرگ‌ترها چیدمان می‌کردند. در واقع همه‌ی آنچه مرتبط با لیلی و لیلی بازی بوده، بازآفرینی محیطی است که بچه‌ها در آن زندگی می‌کردند. آن‌ها شیوه‌ی زندگی والدین خود را به لیلی بازی وارد می‌کردند. در بازی با لیلی‌هاست که ساختار منسجم و کارکرد اصلی بازی با این عروسک‌ها مشخص می‌شود. بچه‌ها بعد از چیدن اسباب‌خانه، قلعه و بر پا کردن سیاه‌چادرهایشان به شیوه‌ی خود در جعبه‌ها و قله تو با تقسیم‌کارها شروع به بازی می‌کردند.

کارکرد بازی با این عروسک شبیه عروسک‌های نمایشی است پس می‌توان آن را نوعی عروسک نمایشی هم دانست که قابلیت روی صحنه رفتن را نیز دارد.

#### بچه‌ها در حال حاضر لیلی بازی می‌کنند؟

سال‌های زیادی لیلی به شیوه اصلی خود ساخته نشد و بچه‌ها کم‌کم لیلی بازی را فراموش کردند. این وقفه‌ی طولانی باعث شد که بچه‌ها دیگر این عروسک را نبینند و نشناسند. کم‌کم



لیلی (سازنده: فریبا گرجیان)

این عروسک نزد اقوام مختلف لر، اسم‌های متفاوت ولی ساختار و قدمت یکسانی دارد. لر ممسنی و رستم (لیلی یا لیلی دستی یا لیلی دودستی)، لر بویراحمد (بویگ یا لیلی)، دیلم و بوشهر (لیلی یا عروسک دستمال به دست) و لر بختیاری (بازبازک یا بازبازک لیلی، لالی و بیگ)، ترک‌های قشقایی (قولی گلین)، لرستان (بئیگ، بی، بی بازنه)، ایلام (بی بازنه)، مسجد سلیمان (بازنده) و...







دستی است. این نوع لیلی ابتدا توسط زنان برای بچه‌ها درست شد، ولی چون ساخت آن‌ها راحت‌تر از لیلی رقصان بود، توسط بچه‌ها هم ساخته می‌شده است. بچه‌ها با درست کردن تعداد زیادی از این‌گونه لیلی به راحتی شروع به لیلی بازی می‌کردند و ترسی از خراب شدن لیلی‌هایشان نداشتند، چون با خراب شدن هر کدام، لیلی دیگری می‌ساختند. اما این لیلی در نوع خود نیز تنوع زیادی دارد و با توجه به توانایی‌های بچه‌ها و مقدار و نوع پارچه و چوبی که در اختیار داشتند، ساخته می‌شده است. این لیلی که به آن بوی<sup>[۶]</sup> (لال بئیس یا لال بئینگ) هم گفته می‌شده، شباهت زیادی به پیکره‌های ابتدایی دارد که شکل تکامل یافته‌ی آن‌ها عروسک است. بوی مرز بین پیکره و عروسک است، پیکره‌ای که با جان بخشی به آن می‌توان آن را عروسک نامید. جان بخشی که توسط بچه‌ها و با حرکت و بازی با آن صورت می‌گرفت. در واقع الگوی اصلی ساخت این عروسک‌ها زن لر بوده است، آن‌ها خود را در شکل عروسکی که هیچ حرکت و صدایی ندارد، بازآفرینی کردند و بچه‌ها در لیلی بازی صدای این عروسک‌های خاموش شدند و با به حرکت درآوردن لیلی خاموش محیط زندگی خود را بازآفرینی می‌کردند، آن‌گونه که بعد با لیلی رقصان نیز این بازآفرینی در قالب لیلی بازی صورت گرفت.

بچه‌ها در ادامه لیلی‌های زیادی برای بازی خود می‌ساختند. لیلی‌های گوناگونی که هر کدام در نقاشی صورت و به کار بردن پارچه، متفاوت از دیگری بود. گاهی برای لیلی‌هایشان صورت نمی‌کشیدند، و یا به جای نقاشی کردن از پارچه‌های گل دار، برای صورت لیلی استفاده می‌کردند. گاهی لیلی‌ها بدون دستمال بودند و گاهی هم فقط شانه داشتند و بدون دست بودند. گاهی اوقات آن‌ها فقط یک چوب عمود برای لیلی‌های خود استفاده می‌کردند، وسط چوب عمود را با پارچه‌ای محکم دور پیچ می‌کردند و بعد دامن لیلی را به آن می‌پوشاندند و پیراهن را نیز روی آن می‌انداختند و برای صورت آن‌ها از در پیسی یا در بطری‌های کوچک استفاده می‌کردند و یا پارچه‌هایی را گرد کرده و بعد روی آن پارچه سفیدی بستند و در نهایت آن را نقاشی می‌کردند. اگر از دو چوب عمود و افقی برای ساخت این‌گونه

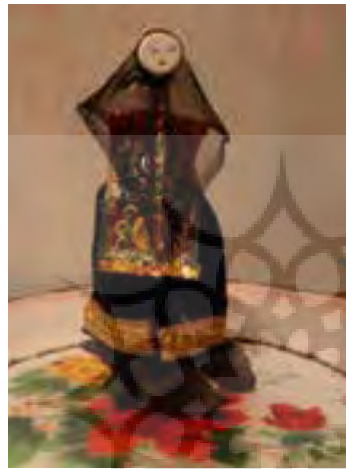
نقش آن در بازی بچه‌ها کم‌رنگ شد تا اینکه به کلی از بین رفت. البته یکی از دلایل اصلی آن این بود که عروسک لیلی فقط توسط بچه‌های این قوم به بازی درمی‌آمد، در همین راستا به بازار آمدن اسباب و وسایل سرگرمی جدید، نقش این عروسک‌ها در بازی بچه‌ها کم‌رنگ شد. از طرفی با تغییر شیوه‌ی زندگی و با ورود اسباب‌بازی‌ها و عروسک‌های جدید که بچه‌ها در ابتدا به آن «بچه‌هان» می‌گفتند، به کلی عروسک لیلی فراموش شد. شاید آن‌ها بازی با دیگر عروسک‌ها را نیز باید تمرین می‌کردند. این اتفاق در مورد دیگر عروسک‌های دست‌ساز سنتی ایران هم افتاده است. ولی خوشبختانه الان با معرفی بیشتر، مردم به اهمیت آن‌ها پی برده‌اند. من اولین نمونه‌های لیلی را در سال ۹۲ درست کردم. تولد یکی از خواهرزاده‌هایم، لیلی به او هدیه دادم، ولی هدیه‌ای که من به او دادم را دوست نداشت، طبیعی بود که در ابتدا این عروسک را دوست نداشته باشد. کم‌کم تعداد بیشتری لیلی درست کردم، وقتی می‌دیدند با دقت این کار را انجام می‌دهم، بیشتر می‌پرسیدند. کم‌کم برایم نخ‌های رنگی می‌آوردند و اضافه پارچه‌ها را و حتی از من لیلی می‌خریدند. الان طوری شده که هم پسر بچه‌ها و هم دختر بچه‌هایی که اطراف من هستند، لیلی را دوست دارند. من هم اگر فرصتی پیش بیاید، نحوه ساخت این عروسک را به آن‌ها یاد می‌دهم. بچه‌ها به راحتی می‌توانند نمونه‌ی صامت آن را درست کنند. ولی خوب طبیعی است که نحوه‌ی بازی با این عروسک‌ها با تغییرات زمانی و مکانی کاملاً فرق کرده است و این‌طور نیست که بچه‌ها مثل قبل ساعت‌های زیادی لیلی بازی کنند. عروسک‌ها باهم فرق دارند، احساس یک بچه به عروسکی مکانیکی و یا باریبی، با احساسی که او به یک عروسک بومی دست‌ساز دارد، خیلی متفاوت است. یکی از دلایل اصلی لیلی بازی بچه‌ها در گذشته در ابتدا کمبود یا بهتر است بگوییم نبود امکانات بود. ولی بعد، لیلی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی آن‌ها شده بود، در واقع لیلی برای آن‌ها موجودی زنده بود، طوری که وقتی همان دخترها ازدواج می‌کردند، برای خوشبختی آن‌ها مادرشان عروسک لیلی را در جهیزیه آن‌ها می‌گذاشت، این‌ها باورهای آن‌ها بود. آن‌ها در کودکی لیلی بازی می‌کردند و در بزرگسالی لیلی را به عنوان نمادی از خوشبختی در خانه‌ی خود می‌گذاشتند. ولی قطعاً الان بچه‌ها لیلی را کنار دیگر عروسک‌هایشان می‌خواهند و دست به انتخاب می‌زنند. این عروسک‌ها را باید بیشتر به بچه‌ها شناساند. لیلی یک عروسک کاملاً ایرانی است و به نظر من اگر قرار باشد در صنعت عروسک‌سازی، عروسکی را به عنوان یک عروسک ملی-ایرانی تولید و به دیگر نقاط جهان معرفی کرد، لیلی، بوکه بارانه، دهن‌لولوک و دیگر عروسک‌های دست‌ساز مناطق مختلف ایران که از دل فرهنگ آن‌ها بیرون آمده‌اند گزینه‌های خوبی هستند.

#### لیلی صامت!

لیلی صامت آن دسته از لیلی‌های بدون حرکت هستند، که شکل بدوی و ابتدایی‌تر لیلی



لیلی استفاده می‌شد برخلاف لیلی رقصان فاقد سوراخ و مفصل بندی بود. چون سوراخ‌هایی که لیلی رقصان بر روی شانه و بدنه و دسته‌ای خود داشت، برای مفصل بندی و به رقص درآوردن دست‌های آن استفاده می‌شده است. ولی بازوی لیلی بی حرکت بود و بچه‌ها به جای موی طبیعی یا موی بز از ذرت و زغال و مداد برای موی این عروسک استفاده می‌کردند.



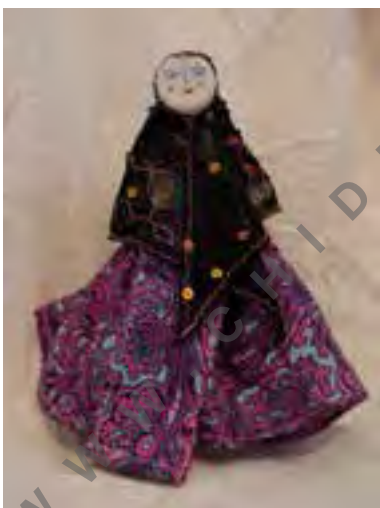
این عروسک مانند لیلی در بین دیگر اقوام لر کوچک و بزرگ نیز دیده می‌شود. قبل از این نوشته، اردشیر صالح پور در کتاب «بازبازک، عروسک ایل بختیاری» از عروسکی صامت به اسم لال بیگ می‌نویسد که بازبازک شکل تکامل یافته‌ی این عروسک است. پوپک عظیم پور هم در کتاب «فرهنگ عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی آیینی و سنتی ایران» از بئی و بئی بازنک عروسک لرستان نوشته است. با مقایسه‌ی لال بیگ و بئی بازنک یا بی بازنک از ایلام و خوزستان با عروسک باوی به این نتیجه رسیدیم که این عروسک‌ها هر سه، یک‌گونه عروسک هستند. این نمونه‌هایی از لیلی‌های صامت (مهمسنی) است که بعد از چند دهه فراموشی اردیبهشت امسال (سال ۱۳۹۶) طی پژوهشی آن‌ها را ساخته‌ام.



بچه‌ها گاهی برای لیلی‌هایشان نوزاد هم درست می‌کردند. سر نوزادها اغلب با قرص کودک و گاهی پارچه‌ی گردشده‌ی کوچک درست می‌شد.

بچه‌ها این نوزادهای عروسکی را برای لیلی‌های خود می‌ساختند. نوزاد عروسکی (قنداقی) که در اصطلاح لری به آن گره پیچ هم گفته می‌شود، شباهت زیادی به عروسک نوزاد بچه‌ی لعبه یعنی ایبیه در خوزستان، گلین عروسک بازی دختران آذربایجان و پوتک (به معنی نوزاد متولدشده است) در سیستان دارد. اکثر مناطق ایران این نوزاد عروسکی را همراه دیگر عروسک‌هایشان می‌ساختند.

تأثیر میراث ناملموس لیلی در شناخت بیشتر این عروسک



قطعاً تأثیر زیادی داشته، این عروسک به عنوان میراث فرهنگی یک قوم ثبت شده است. ما یک شیء با ارزش، یک دست ساخته و دست بافته را که می‌دانیم ارزش زیادی دارد را ثبت می‌کنیم





### سخن آخر

متأسفانه پژوهشگران تا به الان پژوهش‌های جدی در زمینه‌ی این عروسک‌ها انجام نداده‌اند. خیلی برای من جای تعجب بود که کسانی که تخصص در زمینه‌ی عروسک‌ها دارند و یا در این زمینه تحصیلات آکادمیک دارند تا الان نسبت به این موضوع بی‌تفاوت بودند. شاید یکی از دلایل بی‌تفاوتی و تحلیل درست نسبت به این عروسک‌ها همین است. عده‌ای برای این عروسک‌ها عنوان کاردستی به کار می‌برند، گاهی آن را یک چیز تزئینی صرف و نهایتاً آن را هنر دست‌زنان روستایی یا قومیت‌ها بی‌هیچ پرداخت به جنبه‌های زیبایی‌شناسی آن قلمداد می‌کنند. به نظر من عروسک، معنی عروسک و خود کلمه‌ی عروسک یک عنصر فرهنگی و استفاده از آن نشان‌دهنده فرهنگ یک سرزمین و منطقه‌ای است که طرز استفاده از آن را می‌دانند. هر چه که به عقب بومی گردیم ما خیلی قبل‌تر از دوره قاجار که برای اولین بار عروسک‌های فرنگی وارد ایران می‌شوند عروسک‌ها و اسباب بازی‌هایی متناسب با فرهنگ خودمان داشته‌ایم. از تمدن جیرفت، مارلیک، لرستان از هزاره سوم ق. م و قبل و بعد از آن مشاهده می‌شود که عروسک‌ها در مناطق مختلف ایران استفاده می‌شدند، پس عروسک‌ها نزد مردم ما چیز ناشناخته‌ای نبوده که فکر کنیم ما از سرزمین دیگری این موضوع را دریافت کرده باشیم.

نحوه‌ی ساخت یک عروسک دست‌ساز یا مردم ساخت بومی بستگی به برخورد سازنده‌اش با این عروسک هم دارد. مثلاً عروسک لیلی که من تصویرش را اول گفت گو آوردم مادرم درست کرده است. قطعاً مادر من احساس تملک به این عروسک نداشته و همین‌طور آن را برای فروش نساخته، چون علی‌رغم دست‌بافته‌هایی که زنان در قدیم می‌بافتند و جنبه اقتصادی هم داشته، لیلی بیشتر جنبه بازی، آیینی داشته و به قصد فروش ساخته نمی‌شده است. سازنده این عروسک درگیر تناسبات درست نشده و حتی ترجیح داده که صورت لیلی سفید و بی‌نقش باشد. زنانی که این عروسک‌ها را می‌ساختند، شاید اصلاً دست‌ساخته خودشان را هنر تلقی نمی‌کنند و شناخت ما از این عروسک‌ها محدود است و هنوز اول راهیم. ■



و حتی نمونه‌هایی که احساس می‌کنیم به اصل آن‌ها نزدیک‌اند را برای جلوگیری از انقراض در موزه جای می‌دهیم. خوب ثبت شدن یک عروسک به عنوان میراث ملی هم دلیلی بر تاریخی بودن آن و هم تأکیدی بر ارزش آن است. کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، ایلام و همه‌ی مناطقی که لیلی را داشته‌اند، باز هم می‌توانند برای ثبت آن اقدام کنند، که بعد با توجه به ویژگی‌های تاریخی آن‌ها برای ثبت جهانی نیز اقدام شود.